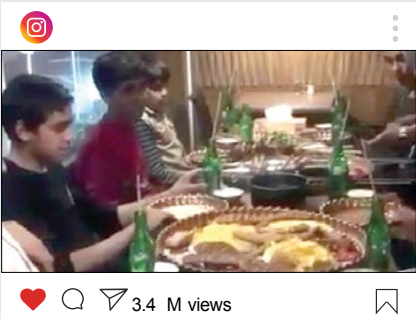
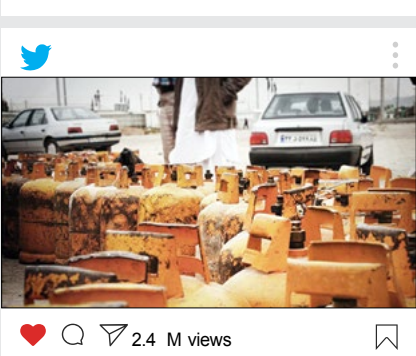


واکسنی که واکسینه نمی کند و قصه پر غصه سرمای سیستان!



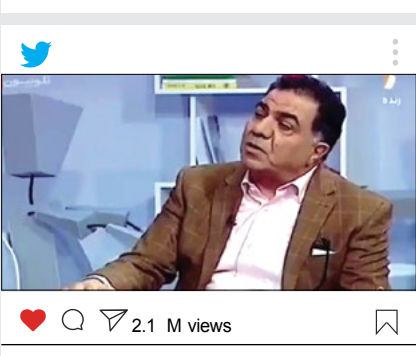
مهربانی هست

ر زشتی ها رو می بینیم، زیبایی ها رو هم بینیم!» در روزهای گذشته به اندازه کافی در باره ویدئوی خنده های تلخ دو جوان که یک کودک کار را داخل سطل زباله می اندازند باز نشر شده و درباره شان خوانده اید. اما در کنار این زشتی ها، زیبایی هایی هم هست که باز نشر آن می توان امید را به جامعه تزریق کرد. ویدئویی در فضای مجازی منتشر شده که در آن ادعا می شود یک رستوران دار هر هفته بچه های کار را به رستورانش دعوت می کند و یک وعده غذای گرم به آن ها می دهد. کاربران هم به این ویدئو واکنش نشان دادند. کاربری نوشت: «حتی اگه این جور کار ها برای شواکف هم باشه خوبه.» کاربر دیگری نوشت: «مهربونی و انسانیت هنوز تو قلب ها زنده است.»



قصه پر غصه سرما در سیستان

قصه تکراری در یافت سیلندر گاز در فصل سرما، مشکلی است که هر ساله با فرا رسیدن فصل سرما، در سیستان و بلوچستان دیده می شود و این روزها هم تصاویر آن در فضای مجازی به وفور وجود دارد. به نظر می رسد تنها راه حل این معضل، توسعه گازرسانی و گاز کشی به منازل این شهر ها باشد. هر چند سه سال پیش وعده گازرسانی به ااهدان داده شد اما تاکنون فقط ۳۰ درصد این شهر گاز رسانی شده است. کاربری نوشت: «گاز که دیگه قاچاق نمیشه مثل بنزین، چرا نداریم چرا؟ ما دومین کشور دارای ذخایر گاز هستیم.» کاربر دیگری نوشت: «این وعده رو هم به وعده عمل نشده مسئولان اضافه کنید.» کاربری هم نوشت: «برخی شنیده ها حاکی از این است که مردم منطقه برای لوله کشی گاز همکاری نمی کنند.»



اعتیاد خوب هم داریم؟!

بخشی از صحبت های مجری برنامه «از من بپرس» که از کارشناس برنامه درباره اعتیاد خوب می پرسد با واکنش های زیادی در شبکه های اجتماعی همراه بود. کارشناس برنامه در جواب محمد پزدا پرسش می گوید: «هر کار خوب مثل اعتیاد به کتاب خوانی، فیلم دیدن، ورزش کردن و ... تا زندگی را به هم نریزد، ایرادی ندارد اما بهتر است روزهایی که انسان خوبی بودید به خودتان پاداش دهید مثلا یک فیلم ببینید و روزهایی که از خودتان ناراضی هستید و خشمگین با حذف یکی از کارهای مورد علاقه تان خود را تنبیه کنید.» کاربران هم به صحبت های این کارشناس واکنش نشان دادند. کاربری نوشت: «کتاب بخونی که حواسش به همسر و بچه اش هست خیلی بهتر از کتاب خونی که فقط بر ای پز دادن کتاب می خونه و به فکر خانوادش نیست.»

وحشت از گوشی به دست ها!

شاید بتوانیم با چیزهای جدید سازگار شویم اما چیزهای قدیمی را چطور فراموش کنیم؟

ترجمه: علی امیری؛ سردمداران شرکت های فناوریانه همیشه از چیزهایی می گویند که محصولات جدید به زندگی ما اضافه می کنند؛ سرعت بیشتر، آسانی، ارزانی و امکاناتی که پیش از این نداشته ایم. اما هیچ وقت، درباره چیزهایی که در اثر این محصولات از دست می دهیم، حرفی نمی زنند مثل فناوری شهر هایمان، محیط زیست مان و حتی خودمان و آن ها را تغییر می دهند، بدون آن که فرصت داشته باشیم به درستی با این تغییرات سازگار شویم. الیور ساکس در یکی از آخرین نوشته هایش از وحشتی می گوید که زندگی در چنین جهانی برای او به همراه دارد.

الیور ساکس؛ چند سال پیش داشتم با برادرزاده ام لیز در میل لین قدم می زدم، مسیری در نزدیکی خانه ای در لندن که در آن بزرگ شده ام. روی پل راه آهنی توقف کردم که در کودکی، عاشق خم شدن از روی تردهای آن بودم. از آن جا عبور چندین قطار برقی و دیدلی را تماشا کردم و پس از چند دقیقه لیز که بی طاقت شده بود پرسید: «منتظر چی هستی؟» گفتم: منتظر یک قطار بخارم. لیز طوری نگاهم کرد که انگار بیوانده ام، گفتم: «عمو الیور، ۴۰ سال بیشتره که دیگه قطار بخار وجود نداره.»

تصاویر پربازدید فضای مجازی

خاطرات به جامانده از انتخابات های قبلی



ماشین نویسی جالب در قم



برای دیدن ویدئوی مطالبی که در این صفحه می خوانید و در فضای مجازی فراگیر شده است کیوآر کد مقابل را اسکن کنید.

سبک و سریع مثل ایرتاکسی

مجوز فعالیت نخستین ایر تاکسی در کشور صادر شد اما چقدر این ایده اجرایی است؟

ترافیک شهر ها و قفل شدن خیابان ها همیشه ما را به فکر راهی می اندازد که بتوانیم زود تر به مقصد برسیم. یکی از راه های پیش رو، استفاده از ایر تاکسی ها یا تاکسی های هوایی است. وقتی از آینده صحبت می کنیم تاکسی های هوایی چیزهای چندان غریبی هم نیستند. البته استفاده های درون شهری تنها می تواند یکی از کاربردهای ایر تاکسی ها باشد. برای جابه جاشدن سریع بین دو شهر هم ایر تاکسی ها گزینه خوبی هستند. به تازگی هم مجوز فعالیت نخستین ایر تاکسی در خراسان شمالی صادر و دو فروند هواپیما هم برای آن خریداری شده که بازتاب زیادی در شبکه های اجتماعی داشته است و کاربران زیادی اظهار امیدواری کرده اند به مزودی از این هواپیما ها به عنوان ایر تاکسی استفاده شود. در مطلب امروز با ایر تاکسی ها بیشتر آشنا می شویم.

مزایای ایر تاکسی ها

این ناوگان حمل و نقل هوایی که امکان برخاست و نشست عمودی را دارد، ابتدا با کاربردهای نظامی تعریف شده بود اما با تغییراتی که یافته امروزه می تواند در حمل و نقل درون شهری هم استفاده شود. ایر تاکسی های می توانند از چهار نفر تا ظرفیتی به اندازه یک اتوبوس داشته باشند. از مزیت های آن ها می توان به سرعت بالا اشاره کرد که به دلیل به کار رفتن موتور جت و وزن سبک، این امکان وجود دارد در زمان کمتری بین شهر ها جابه جا شوند. همچنین یکی هواپیما ی کوچک نیاز به تعداد زیادی نیرو هم ندارد. سوخت کمتری مصرف می کند و به علت ویژگی های فیزیکی در مکان های بیشتری نسبت به هواپیما های بزرگ امکان نشست و برخاست دارد.

ایر تاکسی ها در جهان

در مجموع استفاده از این وسایل نقلیه به آن معنی که در ذهن تداعی می شود یعنی استفاده به صورت تاکسی تلفنی در جهان، خیلی تجربه موفق نبوده است و شرکت های فعال معمولاً به تور تفریحی یا قرارداد با سازمان ها و آورده اند. دلایل مختلفی برای شکست ایر تاکسی ها وجود دارد. یکی از موارد، کمبود تقاضاست. برخلاف تصور بسیاری، اهالی شهر های کوچک کمتر میل به استفاده از آن دارند و از حمل و نقل ریلی و جاده ای استفاده می کنند. برای ایر تاکسی ها به علت هزینه های سوخت شان به صرفه نیست که مسیر را یک طرفه بروند و خالی برگردند. شرایط جغرافیایی و آب و هوایی هم در موفق عمل کردن این ناوگان موثر است. به طور کلی ایر تاکسی ها در آمریکا، کانادا، آفریقا و آمریکای جنوبی تجربه های موفقتری را پشت سر گذاشته اند. مثلاً آمریکا پهناور است و ناوگان ریلی قوی ندارد



منبع: آرمان ملی

کند. دست کم به این چیز ها می توان امید بست، هر چند که برای شخص هیچ امیدی از منظر جسمانی و (برای آن دسته از انسان ها که ایمان ندارند) هیچ در کی از بقای «معنوی» پس از مرگ جسم وجود نداشته باشد.
باین همه، به خود اجازه می دهم امیدوار باشم که علی رغم همه چیز، زندگی بشری و غنای فرهنگ های آن حتی بر زمینه مخروبه بقاء خواهد یافت. در حالی که برخی هنر ا به مثابه سنگر خاطره جمعی ما می دانند، من علم را بازرفای اندیشه اش، دستاوردهای ملموس و ظرفیت هایش به همان اندازه مهم می دانم؛ و علم، علم خوب، امروزه و رفتی بی سابقه دارد، هر چند که محتاط و آرام حرکت می کند، [اما] بصیرت های آن بازار اندیشی ها و آمایش های مداوم بررسی می شود. من برای نوشته های خوب هنر و موسیقی احترام قائلم اما به نظر می رسد که تنها علم، چنانچه وقار بشری، عقل سلیم، هراس و نگرانی برای بیچارگان و فقر را به کمکش بیایند، امیدی به این جهان گرفتار در منجلاب حاضر عرضه می دارد. این ایده در بخشنامه پاپ فرانسیس مشهود است و می تواند نه تنها توسط فناوری های متمرکز و گسترده، بلکه توسط کارگران، صنعت گران و کشاورزان در روستاهای جهان عملیاتی شود.
ما به کمک هم مطمئناً می توانیم جهان را از بحران های فعلی بیرون بکشیم و آن را در راهی به سوی زمانه ای شادتر برانیم. در حالی که من با گذر محتوم از این جهان رویارو هستم، چاره ای ندارم جز باور این که بشرو سیار همان بقاء خواهد یافت، این که زندگی ادامه خواهد داشت و این ساعت پایانی مان نخواهد بود.

منبع: تر جهان

حضر تشویق کردند؛ نیمی دیگر هو کشیدند.

فورستر در داستان «ماشین می ایستد» آینده ای را متصور شده است که در آن مردم در سلول های جدا افتاده ای در زیر زمین زندگی می کنند، هرگز یکدیگر را نمی بینند و تنها با وسایل صوتی و تصویری با هم ارتباط برقرار می کنند. مردم در این جهان از تفکر اصیل و مشاهده مستقیم بر حذر داشته می شوند؛ به آن ها گفته می شود «مراقب ایده های دست اول باشید!» «ماشین» که رفاه به ارمان آورده و تمام نیازها – به جز نیاز به ارتباط انسانی – را برطرف می کند، بر بشریت چیره شده است. مرد جوانی به نام کونو، از طریق فناوری شبیه به اسکایپ پیش مادرش می نالد که «می خواهم تورا ببینم اما نه از درون ماشین... می خواهم با تو حرف بزنم اما نه از درون این ماشین ملال آور.» «من نیز به نحو آینده ای اغلب این احساس را درباره جامعه مسحور و مفتون خودمان دارم. وقتی مرگ آدم نزدیک می شود، ممکن است از این احساس که زندگی ادامه خواهد یافت، اگر نه برای خود او، دست کم برای فرزندانش یا برای چیزی که آفریده است، تسکین پیدا

امروزه همه چیز به صورت بالقوه عمومی است: افکار آدم، عکس های او، حرکاتش و خریدهایش. هیچ حریم خصوصی باقی نمانده و آشکارا در جهانی که وقف استفاده بی وقته از شبکه های اجتماعی شده است، اشتیاق کمی نیز برای آن وجود دارد. هر دقیقه و هر ثانیه، باید با در دست داشتن گوشی بگذرد. آن ها هیچ

که به دام این جهان مجازی افتاده اند

هرگز تنها نیستند. چند سال قبل، در میزگردی یکی از شرکت کنندگان از پیشگامان اینترنت بود، با غرور گفت که دختر جوانش روزی ۱۲ ساعت در اینترنت می گردد و به گسترده دامنه ای از اطلاعات دسترسی دارد که حتی در مخیله فردی از نسل های پیش هم نمی گنجد. من پرسیدم آیا هیچ کدام از زمان های جین آستین یا هیچ رمان کلاسیکی را خوانده است؟ وقتی گفت نخوانده است، این کنجکاوی را با صدای بلند مطرح کردم که آیا این دختری می تواند درک عمیقی از طبیعت انسان یا جامعه داشته باشد؟ گفتم با این که این دختر ممکن است انباری از اطلاعات با دامنه ای وسیع باشد اما اطلاعات با دانایی متفاوت است. نیمی از

